

The Role of Language in Legitimizing Public Sector Financial Laws and Regulations

Reza Pourahmad

Phd Student in Accounting, Alborz Campus, University of Tehran, Tehran, Iran,
reza.pourahmad@ut.ac.ir

Mohammad Moradi*

Assistant Professor, Department of Accounting, Faculty of Management, University of Tehran,
Tehran, Iran (Corresponding Author) moradimt@ut.ac.ir

Abbas Nargesian

Assistant Professor, Department of Public Administration, Faculty of Management, University of
Tehran, Tehran, Iran, anargesian@ut.ac.ir

Abstract

Purpose: The purpose of this study is to investigate the nature of the language of parliamentarians in relation to changes in the law of public accounting and also to investigate the role of language in legitimating such changes and also to examine the type of legitimation strategies used by parliamentarians.

Method: The present research method is based on critical discourse analysis with Fairclough approach. The population of this research includes all discussions and discourses of the members of the Islamic Consultative Assembly in connection with the changes in the law of public accounting related to public sector accounting from 1986 to 2020 and 17 texts of the above negotiations from the official newspaper of the country as an example Based on the theoretical saturation sampling method has been selected.

Results: Changes in the public Accounting Law of the country as the basis of public sector accounting have been legitimated under the influence of bureaucratic language of MPs and the power of MPs's language has been effective in such changes and they seek legitimacy by emphasizing rationalist and authoritarian strategies.

Conclusion: MPs' use of the bureaucratic language in implementing changes to the country's public accounting law indicates that they are trying to portray such changes in line with the public interest (Ligouri and Steccolini, 2018; 161) and try to gain public support by using the power of language and emphasizing rationalization and authorization strategies.

Contribution: Paying attention to the role of politicians' language in public sector accounting reforms and their strategies to legitimate the financial rules and regulations underlying public sector accounting are among the issues that have received less attention in accounting studies and can be effective in decisions and judgments of the users of public sector accounting reports.

Key words: Bureaucratic Language, Financial Laws and Regulations, Legitimation Strategies, MPS, Public Accounting Law, Public Sector Accounting.

Research Article

Journal of Financial Accounting Knowledge, Vol.8, NO.3, Fall 2021, 1-23

DOI: 10.30479/jfak.2021.15745.2880

Received on 20 June, 2021 Accepted on 17 July, 2021

Copyright© 2021, Pourahmad, Moradi & Nargesian

Publisher: Imam Khomeini International University.



نقش زبان در مشروعیت بخشیدن به اصلاحات قوانین و مقررات مالی بخش

عمومی

رضا پوراحمد

دانشجوی دکتری حسابداری پردیس البرز دانشگاه تهران، تهران، ایران. reza.pourahmad@ut.ac.ir

محمد مرادی*

استادیار گروه حسابداری، دانشکده مدیریت دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول) moradimt@ut.ac.ir

عباس نرگسیان

استادیار گروه مدیریت دولتی، دانشکده مدیریت دانشگاه تهران، تهران، ایران anargesian@ut.ac.ir

چکیده

هدف: هدف این تحقیق، بررسی ماهیت زبان نمایندگان مجلس در ارتباط با اعمال تغییرات در قانون محاسبات عمومی کشور و نیز بررسی نقش زبان در مشروعیت بخشیدن به اینگونه تغییرات و همچنین بررسی نوع استراتژی های مشروعیت بخشی بکار گرفته شده توسط نمایندگان مجلس، می باشد.

روش: روش تحقیق حاضر مبتنی بر تحلیل گفتمان انتقادی با رویکرد فرکلاف است. جامعه این تحقیق، شامل کلیه مباحثه ها و گفتمان های نمایندگان مجلس شورای اسلامی در ارتباط با تغییرات قانون محاسبات عمومی مرتبط با حسابداری بخش عمومی از سال ۱۳۶۵ تا سال ۱۳۹۹ می باشد که تعداد ۱۷ متن از مشروح مذاکرات فوق از روزنامه رسمی کشور به عنوان نمونه مبتنی بر روش نمونه گیری اشباع تئوریک انتخاب شده است.

یافته‌ها: تغییرات قانون محاسبات عمومی کشور به عنوان زیر بنای حسابداری بخش عمومی، تحت تاثیر زبان بوروکراتیک نمایندگان مجلس مشروعیت بخشیده شده است و قدرت زبان نمایندگان مجلس در اینگونه تغییرات تاثیرگذار بوده است و آنها با تاکید بر استراتژی خردگرایی و اقتدارگرا، به دنبال مشروعیت بخشی به این تغییرات بوده اند.

نتیجه گیری: استفاده نمایندگان مجلس از زبان بوروکراتیک در اعمال تغییرات قانون محاسبات عمومی کشور، بیانگر این است که آنان سعی دارند اینگونه تغییرات را همسو با منافع عمومی به تصویر بکشند (لیگوری و استیکولینی^۱، ۲۰۱۸؛ ۱۶۱) و با بهره بردن از قدرت زبان و با تاکید بر استراتژی های خردگرایی و اقتدارگرا، برای جلب حمایت عمومی نسبت به اقدامات خود، تلاش می کنند.

دانش افزایی: توجه به نقش زبان سیاستمداران در اصلاحات حسابداری بخش عمومی و استراتژی های آنان جهت مشروعیت بخشی به قوانین و مقررات مالی زیر بنای حسابداری بخش عمومی، از جمله مواردی است که در مطالعات حسابداری کمتر مورد توجه قرار گرفته است و می تواند در تصمیم گیری و قضاوت استفاده کنندگان گزارشات حسابداری بخش عمومی موثر باشد.

واژگان کلیدی: استراتژی های مشروعیت بخشی، حسابداری بخش عمومی، زبان بوروکراتیک، قانون محاسبات عمومی، قوانین و مقررات مالی، نمایندگان مجلس.

مقاله پژوهشی

* فصلنامه علمی دانش حسابداری مالی، مقاله پژوهشی، دوره ۸، شماره ۳، پیاپی ۳۰، پاییز ۱۴۰۰، ۱-۲۳

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۳/۳۰ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۴/۲۶

ناشر: دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)



۱- مقدمه

از دیدگاه سیاستمداران، هرگونه اصلاحات در حوزه حسابداری از اهمیت ویژه ای برخوردار خواهد بود و اغلب با انگیزه های سیاسی سعی در اعمال نفوذ و کنترل در اینگونه اصلاحات خواهند داشت. سیاستمداران با ایجاد تغییرات در قوانین و مقررات مالی زیر بنای حسابداری بخش عمومی، موجب اصلاح رویکردهای حسابداری در جهت دستیابی به اهداف خود شده و با گفتمان های متعدد سیاسی به این گونه تغییرات، مشروعیت می بخشند (لیگوری و استیکولینی، ۲۰۱۸؛ ۱۶۶). گفتمان های سیاستمداران، انگیزه های سیاسی مختلفی را دنبال می کند و محور این گفتمان ها، زبان است (بایر و همکاران^۲، ۲۰۲۱؛ ۲۴). در واقع، قدرت ساختاری زبان این فرصت را در اختیار سیاستمداران قرار می دهد تا گفتمان ها را در راستای ایدئولوژی های خود و به نفع خویش سمت و سو ببخشند (لیگوری و استیکولینی، ۲۰۱۸؛ ۱۶۸).

امروزه بسیاری از سیاستمداران با استفاده از ابزار زبان و همچنین واژه ها و مفاهیم خاص که دیگران با آنها آشنایی چندانی ندارند، به حفظ قدرت و موقعیت خود در مقابل سایر عناصر نظام سیاسی می پردازند و از این طریق ایدئولوژی های خود را تحمیل می کنند (میرزایی اهرنجانی، ۱۳۸۵؛ ۸۶). زبان برای سیاست، مشروعیت ایجاد می کند و به عنوان ابزار توضیح دهنده یک عمل خاص اجتماعی به شمار می رود (رایدل و گومز^۳، ۲۰۲۰؛ ۲۳۵). یکی از عوامل کاهش اعتماد به سیاستمداران، بکارگیری جنبه منفی زبان در راستای دستیابی به انگیزه های سیاسی می باشد. در واقع، سیاستمداران آموخته اند که برای مخفی کردن اقدامات خود، با سوء استفاده از زبان، از عبارات ناهماهنگ و بدون تاثیر گذاری، کلمات اختصاری، مفاهیم مجهول و دستکاری معانی برای دستیابی به اهداف خود بهره ببرند (کالدیاز^۴، ۲۰۱۹؛ ۷).

به عبارت دیگر، سیاستمداران علی رغم دانش محدودی که در زمینه حسابداری دارند، با ایجاد تغییرات در قوانین و مقررات مالی، اهداف سیاسی خود را دنبال کرده و با بکارگیری قدرت زبان، به اینگونه تغییرات مشروعیت بخشیده و بر حسابداری بخش عمومی تاثیر می گذارند (کوارفورد^۵، ۲۰۱۹؛ ۳۳). در واقع، بسیاری از تغییرات حسابداری بخش عمومی، بر اساس گفتمان های مبتنی بر مباحث سیاسی ایجاد شده اند و سیاستمداران از استراتژی های مشروعیت بخشی به عنوان مجوز اعمال اینگونه تغییرات استفاده کرده اند (هایندمن و لیگوری^۶، ۲۰۱۶؛ ۳۹۸).

از این رو، زبان می تواند نقش اساسی در تغییرات قوانین و مقررات مالی به واسطه مشروعیت بخشیدن به آن را داشته و بر حسابداری بخش عمومی و گزارشگری مالی دولت ها اثرگذار باشد (لیگوری و استیکولینی، ۲۰۱۸؛ ۱۶۸) و این تاثیر پذیری قوانین و مقررات مالی و به تبع آن حسابداری بخش عمومی از گفتمان ها و انگیزه های سیاستمداران، می تواند قابلیت اتکای گزارشات مالی این حوزه حسابداری را با چالش مواجه کند. در این تحقیق، با توجه به اهمیت قانون محاسبات عمومی کشور به عنوان زیربنای حسابداری بخش عمومی، از بعد کیفی به بررسی

ماهیت زبان نمایندگان مجلس جهت ایجاد تغییرات در قانون مزبور، بررسی نقش زبان در مشروعیت بخشی به اینگونه تغییرات و همچنین بررسی استراتژی های مشروعیت بخشی آنان، خواهیم پرداخت. با توجه به مطالب فوق، سوال های تحقیق را می توان به صورت زیر بیان کرد: (۱) ماهیت زبان نمایندگان مردم در مجلس برای اعمال تغییرات در قوانین و مقررات حسابداری بخش عمومی چگونه است؟

(۲) زبان چه نقشی در مشروعیت بخشیدن به تغییرات قوانین و مقررات حسابداری بخش عمومی دارد؟

(۳) نمایندگان مردم در مجلس از چه استراتژی هایی برای مشروعیت بخشیدن به تغییرات قانون محاسبات عمومی مرتبط با حسابداری بخش عمومی، استفاده می کنند؟

بررسی ماهیت و نقش زبان سیاستمداران برای ایجاد تغییرات در قوانین و مقررات مالی زیربنای حسابداری بخش عمومی و همچنین استراتژی هایی که آنان برای مشروعیت بخشیدن به اینگونه تغییرات بکار می گیرند، می تواند ضمن کمک به ارزیابی قابلیت اتکای گزارشات مالی بخش عمومی، در تصمیم گیری و قضاوت استفاده کنندگان اینگونه گزارشات نیز موثر باشد. در این تحقیق، برای بررسی ماهیت زبان نمایندگان مردم در مجلس و استراتژی های مشروعیت بخشی آنان به تغییرات قانون محاسبات عمومی کشور، از روش تحلیل گفتمان انتقادی با رویکرد فرکلاف استفاده شده است. توجه به نقش زبان سیاستمداران در اصلاحات قوانین و مقررات مالی زیربنای حسابداری بخش عمومی و همچنین استراتژی های آنان جهت مشروعیت بخشی به این تغییرات، از جمله مواردی است که در مطالعات حسابداری کمتر مورد توجه قرار گرفته است و می تواند به استفاده کنندگان گزارشات مالی بخش عمومی در سنجش شفافیت مالی این نوع گزارشات کمک کرده و تصمیمات آنان را تحت تاثیر قرار دهد.

۲- مبانی نظری

مفهوم زبان و انواع آن

زبان، قدرت برقراری ارتباط بین حداقل دو نفر می باشد؛ بصورتیکه یک فرد می تواند به وسیله آن رفتار فرد یا افراد دیگر را تحت کنترل خود قرار دهد. در یک حوزه رفتاری، افراد مختلف نمی توانند از این توانایی و قدرت به طور یکسان، بهره ببرند (آقا گل زاده، ۱۳۸۶؛ ۸۹). در حقیقت، زبان ابزاری از قدرت نمادین است که به گوینده امکان نامحدود برای جلب حمایت مخاطب را می دهد (چایداس^۷، ۲۰۱۸؛ ۱۱). از دیدگاه سیاسی، زبان را می توان به دو نوع بوروکراتیک و غیر بوروکراتیک تقسیم بندی کرد. زبان بوروکراتیک به عنوان نوعی سوء استفاده سیاستمداران از زبان در گفتمان و اسناد رسمی دولتی تعریف می شود. چنین سوء استفاده ای از زبان، سهوی یا غیر عمدی نیست بلکه با برنامه و مقاصد خاصی دنبال می شود. برخی دیگر نیز زبان بوروکراتیک را به عنوان زبانی که به صورت دروغین وانمود به برقراری ارتباط می کند،

تعریف کرده اند و یا آن را به عنوان سوء استفاده از واژگان و مفاهیم به وسیله باز تعریف ضمنی یا تلویحی تعریف نموده اند (هرمان^۱، ۱۹۹۲؛ ۶۷). گفتار دوگانه بوروکراتیک را نیز به عنوان هنر بیان شفاهی هر دو جنبه یک سخن تعریف کرده اند. به عبارتی، سخن دوگانه بوروکراتیک، بد را خوب، منفی را مثبت و یک امر ناخوشایند را جذاب جلوه می دهد (واتسون^۲، ۲۰۰۶؛ ۴۴۳). الگوی زبان سیاستمداران باید از خوی و منش زبان بوروکراتیک فاصله بگیرد، به سمت زبان فرا بوروکراتیک سوق یابد و نگاه ارزشی بر آن حاکم شود؛ زبانی که صادق، ملت ساز، مشارکت جو، پاسخگو، تکریم کننده شهروندان، متوجه منافع عمومی، عدالت محور، شفاف و ارزش محور است (مقیمی و همکاران، ۱۳۹۱؛ ۱۱۶). ویژگی های زبان بوروکراتیک بر مبنای مدل هیومل^۳ (۱۹۹۴) و مقایسه آن با زبان فرا بوروکراتیک، در جدول زیر ارائه شده است:

جدول ۱: مقایسه ویژگی های زبان بوروکراتیک و زبان فرا بوروکراتیک

مقایسه ویژگی های زبان بوروکراتیک و زبان فرا بوروکراتیک	
زبان بوروکراتیک	زبان فرا بوروکراتیک
یک جانبه	متقابل
غیر علمی	علمی و وابسته به متن
فنی و تخصصی	عمومی
قیاسی	عینی
ارجاعی	تجربی
تحمیل واقعیت	ساخت واقعیت

از تحقیقات انجام شده با محوریت زبان به عنوان ابزار اقتدار، می توان به تحقیق جانسن و استیهودر^۴ (۱۹۸۵) اشاره کرد. آنها در تحقیق خود به بررسی تاثیر تغییرات قوانین و مقررات بر ایجاد مزایای رفاهی برای افراد جامعه با حداقل درآمد زندگی در کشور هلند پرداختند. نتایج نشان داد که برای ۴۴ درصد افراد مستحق دریافت یارانه، این مزیت به طور سهوی اعمال نشده بود. در واقع آنها تشخیص ندادند که خودشان مستحق دریافت یارانه هستند. بنابراین می توان چنین نتیجه گیری نمود که قوانین پیچیده شامل متون اطلاعاتی پیچیده نیز هستند و آن دسته افرادی که به اکثر امتیازات نیاز دارند، بیشترین مشکلات را درباره درک و فهم این قوانین و مقررات دارند و به نظر می رسد که به طور آشکارا زبان بوروکراتیک سیاستمداران، نقش معینی را در بروز بسیاری از مسائل در سیاست های ارائه خدمات ایفا می کند. همچنین ضیائی و همکاران (۱۳۸۸)، در تحقیق خود با عنوان «بررسی رابطه بین زبان اقتدار و مشروعیت دولت ها» به بررسی گفتمان امام خمینی (ره) با روش تحلیل گفتمان انتقادی پرداختند. نتایج تحقیق حاکی از آن بود که گفتمان امام خمینی (ره)، تکرر گراست و در این گفتمان، گذشته برای عبرت و درس آموزی قابل نقد است و این گفتمان مخالف خشونت و خشونت گرایی بوده و معتقد به حقوق ترمیمی است. مقیمی و همکاران (۱۳۹۱) نیز در تحقیق خود با عنوان نبرسی ماهیت زبان دولت در سه دهه انقلاب اسلامی ایران و ارائه الگوی کارآمد آن، تلاش کرده اند تا ماهیت زبان دولت در سه دهه انقلاب اسلامی ایران بررسی کرده، الگوی کارآمد زبان دولت برای دهه چهارم

انقلاب اسلامی تدوین نمایند. نتایج پژوهش نشان داد، ماهیت زبان دولت در سه دهه به زبان بوروکراسی نزدیک است و الگوی کارآمد زبان دولت باید از خوی و منش چنین زبانی فاصله بگیرد و به سمت زبان فرابوروکراتیک سوق پیدا کند. همچنین مرادی و همکاران (۱۳۹۶)، در تحقیق خود با عنوان « بررسی و مقایسه پاسخگویی مالی دولت در چهار دوره ریاست جمهوری پس از انقلاب اسلامی»، در رابطه با بررسی ماهیت پاسخگویی مالی دولت پس از انقلاب اسلامی، به تحلیل نظرهای چند رئیس جمهور با محوریت مسائل اقتصادی از بعد کیفی پرداختند. نتایج تحقیق نشان داد که رویکرد هر دولت برای پاسخگویی در قبال عملکرد خود با نگاهی منتقدانه به عملکرد دولت های پیشین، به مقایسه عملکرد خود با آنها پرداخته است. وفایی و غلامی (۱۳۹۷) نیز در تحقیق خود به بررسی نقش زبان به عنوان ابزار قدرت در روزنامه های دربار دوره قاجار پرداختند. نتایج تحقیق نشان داد که زبان این دوره، زبانی متکلف و دشوار و قدرت گراست و محوریت تفکر، شاه و نظام سلطنت بوده و از زبان به عنوان ابزاری برای اعمال قدرت استفاده می شد.

مشروعیت و استراتژی های مشروعیت بخشی

سیاستمداران با بکارگیری قدرت زبان، به اقدامات خود مشروعیت می بخشند (لیگوری و استیکولینی، ۲۰۱۸؛ ۱۶۱). مشروعیت، یک تصور عمومی است مبنی بر اینکه اقدامات موجود در برخی ساختارهای اجتماعی، مطلوب و مطابق با هنجارها، ارزشها و اصول و به طور متعارف انجام می شود. مشروعیت بخشی با ارائه استدلال هایی از اقدامات اجتماعی، عقاید و افکار افراد را توضیح می دهد و با تکیه بر عوامل قابل توجهی مانند اعتقادات، ارزشها و هنجارها به دنبال تأیید گفتگو و اعمال آنها می باشد (اوکس^{۱۲}، ۲۰۱۲؛ ۲۱۵). استفاده از راهبرد و ابزارهای مشروعیت بخشی زبانی توسط سیاستمداران در ایجاد اجماع و فعالیت سیاسی برای توجیه اقدامات خود ضروری است. استراتژی های مشروعیت می توانند با تأکید بر قابل قبول بودن یا عدم پذیرش اقدامات، این اقدامات را به صورت خنثی یا مثبت توصیف کنند (کریستنسن^{۱۳}، ۲۰۱۸؛ ۱۰۶۲). زبان، مهمترین ابزار مشروعیت بخشی است (ون لیون^{۱۴}، ۲۰۰۲؛ ۳۵۹). با تکیه بر نظریه نهادی و تحلیل گفتمان انتقادی، پنج مورد استراتژی مشروعیت بخشی شناسایی شده است. پنج استراتژی گفتمان، جایی که از زبان برای به دست آوردن مشروعیت استفاده می شود عبارتند از: (وارا^{۱۵}، ۲۰۱۵؛ ۷۵۴)

۱) اقتدار گرا^{۱۶} (۲) اخلاق گرایی^{۱۷} (۳) روایت گرایی^{۱۸} (۴) عادی سازی^{۱۹} (۵) خرد گرایی^{۲۰} (عقلانی سازی)

استراتژی اقتدارگرا، به مشروعیت بخشیدن (یا عدم مشروعیت بخشیدن) از طریق کسب مجوز به استناد چهره های قانونی که به نوعی به آنها اختیار داده شده است، اشاره دارد. در واقع در این استراتژی با ارجاع به نظرات اشخاص مرجع و خبره می توان به اقدامات و رویدادها مشروعیت

بخشید. این چهره های قانونی می توانند شامل روزنامه نگاران، نمایندگان شرکتها، بازارها، تحلیلگران و کارشناسان صنعت باشند. در متون، نمونه بارز چنین مجوزهایی عباراتی مانند «تحلیلگران معتقدند» یا «برآورد تحلیلگران این است» می باشد. در این استراتژی به اشخاص خاص مانند تحلیلگران خاص یا متخصصان برجسته در صنایع مختلف، نقش نهادی جهت مشروعیت بخشی داده می شود که ممکن است به سایر مقامات مانند نمایندگان کارگران داده نشود.

استراتژی اخلاق گرایی، به مشروعیت بخشیدن (یا عدم مشروعیت بخشیدن) از طریق سیستم های اخلاقی و ارزشی خاص اشاره دارد. در این استراتژی تاکید بر منافع ملی (به عنوان ارزش اصلی) یا اولویت بندی منافع افراد جامعه، نوعی ارزش محسوب می شود و مبنای مشروعیت بخشی به اقدامات قرار می گیرد. در واقع این استراتژی به ارزش های خاص تاکید دارد و در آن می توان به طریقی انتزاعی به اعمال و رسوم ارزشی اشاره کرد و گفتمان را به ارزش های اخلاقی پیوند داده و با این کار آنها را «اخلاقی» جلوه داد. مثلا به جای اینکه بگوییم «این کودک اولین بار است به مدرسه می رود» بگوییم «این کودک به استقلال می رسد». بدین طریق عمل مدرسه رفتن بر حسب گفتمان «استقلال»، مشروعیت می یابد (وارا، ۲۰۱۵؛ ۷۵۵). استراتژی روایت گرایی، به مشروعیت بخشیدن (یا عدم مشروعیت بخشیدن) از طریق بیان روایات اشاره دارد. این استراتژی جنبه اسطوره ای مشروعیت را نیز در بر می گیرد و بیان یک داستان یا تاریخچه از یک موضوع، شواهدی از رفتار قابل قبول، مناسب یا ترجیحی را فراهم می کند. در روایت گرایی به اشخاص با عنوان برنده، بازنده، قهرمان، دشمن یا مقصر نگریسته می شود. برای مثال، در داستان هایی درباره نخستین روز مدرسه رفتن، کودکان باید با ضربه روحی ناشی از جدا شدن از امنیت خانه رو به رو شوند، ولی سپس، یعنی پس از گذشتن از برخی موانع، پایان خوشی را تجربه می کنند (ون لیون، ۲۰۰۷؛ ۱۰۷). استراتژی عادی سازی، به مشروعیت بخشیدن (یا عدم مشروعیت بخشیدن) از طریق عادی و مناسب جلوه دادن موضوع مورد بحث اشاره دارد. این استراتژی می کوشد که به یک موضوع از طریق ارائه مثال و نمونه، مشروعیت ببخشد. این مثال زدن می تواند «گذشته نگر» شامل موارد، رویداد و اقدامات مشابه در گذشته یا «آینده نگر» شامل موارد جدید و رویدادهایی که مورد انتظار است، اشاره داشته باشد که هر دو مورد در ارائه یک موضوع به صورت عادی با اهمیت تلقی می شود و در نهایت استراتژی خردگرایی، به مشروعیت بخشیدن (یا عدم مشروعیت بخشیدن) از طریق تمرکز بر مزایا و نتایج انجام یک عمل اشاره دارد. در واقع این استراتژی بر مزایا، اهداف، کارکردها، نتایج یا پیامدهای اقدامات انجام شده تمرکز دارد. در این استراتژی، برای اینکه بتوان توضیح داد چرا امور اجتماعی وجود دارند و چرا به این شکل خاص وجود دارند، غایت هایی همانند مشروع سازی در گفتمان وضع می شوند. هدف از مدرسه رفتن چیست؟ و هدف از اینکه به تحصیل در جامعه مان این شکل خاص

را داده ایم، چیست؟ مسئله این است: آیا تمام اهداف موجود، مشروع ساز نیز هستند؟ خیر. برای اینکه مشروع ساز باشند، فرایند وضع هدف باید شامل عنصری از اخلاق سازی باشد. اظهاراتی مانند اینکه این «کنش سودمند است» یا «این کنش به کار می آید» و مواردی چون این، همگی مشروعیت بخش و زاده سنت های فلسفی، از جمله فایده انگاری و مصلحت گرایی هستند؛ سنت هایی که از این مسئله دفاع می کنند که هدفمند بودن و سودمند بودن، ملاک های حقیقت و شالوده های رفتار اخلاقی هستند و نیز شالوده های رفتاری که معیار آن هم رنگی با جماعت است، به شمار می آیند (وارا، ۲۰۰۶؛ ۸۰۲).

ممکن است این اشکال مشروعیت بخشی به طور جداگانه یا در ترکیب با یکدیگر رخ دهد. در واقع، استراتژی های مشروعیت بخشی در زمینه های اجتماعی خاص گنجانده شده اند و آنچه به عنوان یک استدلال قانونی محسوب می شود، ممکن است در رویدادهای مختلف، متفاوت باشد (هایندمن و همکاران، ۲۰۱۴؛ ۳۹۷).

از تحقیقات انجام شده با محوریت مشروعیت بخشی، می توان به تحقیق ریس^{۲۱} (۲۰۱۱) اشاره کرد، وی استراتژی های مشروعیت بخشی در گفتمان سیاسی را مورد بررسی قرار داد. نتایج تحقیق نشان داد که استراتژی های مشروعیت بخشی می تواند به صورت جداگانه یا در ترکیب با یکدیگر (شامل استراتژی های اقتدارگرا، اخلاق گرایی و خردگرایی) مورد استفاده قرار بگیرد و عواملی مانند احساسات، آینده نگری، عقل و تخصص را در مشروعیت بخشی به عملکرد حاکمان موثر می داند. مینارد^{۲۲} (۲۰۱۷) نیز در تحقیق خود با عنوان «سیاست حفاظت قانونی چیست؟»، به بررسی ابزارهایی که سیاستمداران جهت پوشش و مشروعیت بخشی به اقدامات خود استفاده می کنند، پرداخت. نتایج تحقیق وی نشان داد که سیاست مداران اغلب برای دفاع از عملکرد خود در مقابل حجه های احتمالی آتی، از توجیه قانونی (استراتژی اقتدارگرا) به عنوان ابزار مشروعیت بخشی به اقدامات خود استفاده می کنند. وودز^{۲۳} (۲۰۱۹)، در تحقیق خود به روش کیفی به بررسی استراتژی های فعالان اقتصادی در مشروعیت بخشیدن به تغییرات سازمانها پرداخت. در تحقیق وی، نظارت بر عملکرد سازمان ها (به عنوان یک استراتژی ترکیبی شامل اقتدارگرا و عقلانی سازی) برای مشروعیت بخشیدن به فعالیت ها و تغییرات در سازمان معرفی شد. پار^{۲۴} و همکاران (۲۰۲۰)، در تحقیق خود به بررسی تاثیر بکارگیری استراتژی های مشروعیت بخشی در عرضه فناوری های جدید اطلاعات در کشور کانادا پرداختند. نتایج نشان داد، استفاده از استراتژی های مبتنی بر قانونی بودن (اقتدارگرا) در مقایسه با استراتژی های مبتنی بر هنجارها (اخلاق گرایی)، برای مشروعیت بخشی به فناوری های جدید، بیشتر مورد توجه جامعه قرار می گیرد. همچنین، لین^{۲۵} (۲۰۲۱)، در تحقیق خود به بررسی نحوه افشاء و مشروعیت بخشی مدیران در مورد عواقب منفی اجتماعی و زیست محیطی فعالیت شرکت ها در دو کشور انگلیس و چین پرداخت. نتایج نشان داد که شرکت ها از طریق استراتژی های انکار، انحراف،

تخفیف و پذیرش واقعیت (استراتژی عقلانی سازی) به اخبار بد مشروعیت می‌بخشد و نوع استراتژی مشروعیت بخشی به کار گرفته شده در کشورها بر حسب فرهنگ های مختلف، متفاوت می باشد.

مشروعیت بخشی و اصلاحات قوانین و مقررات مالی بخش عمومی

قانون را می توان نهادی نامید که به همان اندازه با زبان در ارتباط است، رابطه جدا ناپذیری نیز با قدرت دارد. می توان چنین استدلال کرد که در تصویب یک قانون، پذیرش آن از جانب آحاد جامعه از اهمیت ویژه ای برخوردار است و مشروع بودن آن از دید عامه مردم، همواره مورد تاکید قرار دارد (گاتمن و ویت^{۲۶}، ۲۰۱۸؛ ۴). به عبارتی، در تشکیل یک سیستم قانونی با حمایت عمومی، وجود مشروعیت با دلایل مختلف اخلاقی و دموکراتیک، ضرورت پیدا می کند (وودز، ۲۰۱۹؛ ۳۳۸). قانون به عنوان قدرتمندترین نهاد محسوب می شود و عامل شکل گیری این قدرت، زبان است. از طرف دیگر می توان گفت، زبان در دست کسانی که قدرت نهادی دارند، هدفمند و قدرتمند می شود (ون لیون، ۲۰۰۷؛ ۱۰۳). قانون گذاران برای جلب حمایت عمومی، به مشروعیت نیاز دارند. در واقع، منبع اصلی قدرت قانون این است که روابط اجتماعی و قدرت حاکم را بدون نیاز به کنترل از خارج، از طریق ابزارهای زبانی و گفتگویی، تشکیل و مشروعیت می بخشد (اورتر^{۲۷}، ۲۰۱۶؛ ۶). ابهام در مورد اعمال تغییرات در قوانین، سیاستمداران را بر آن می دارد تا از استدلال های کافی، برای ساخت واقعیت استفاده کرده و برای کسب مشروعیت از برخی ساختارها و ایده ها بهره ببرند. استراتژی های تنظیم شده در هنگام اعمال تغییرات، باورها را تحت تأثیر قرار می دهد و می تواند اتخاذ رویه ها و روش توجیه سیاستمداران برای سودمندی تغییر را تقویت یا تضعیف کند. هرچه دلایل حمایت کننده برای تغییر ترغیب کننده تر باشد، تصویب آن و در نهایت پذیرش آن، قابل قبول تر خواهد بود (بایتکین و هاک^{۲۸}، ۲۰۱۵؛ ۴۵۳). بنابراین قدرت قانون باید به وسیله گروه های تابع پذیرفته شود و روند مشروعیت بخشی عمدتاً نه از طریق اجبار (تحمیل شده توسط قانون و دادگاه های حقوقی) بلکه از طریق استقرار راهبردهای اقناع کلامی از طرف قانون گذاران، کسانی که متون حقوقی وضع می کنند، صورت می گیرد (رتارو^{۲۹}، ۲۰۱۹؛ ۲۷).

قوانین و مقررات مالی، زیر بنای حسابداری بخش عمومی محسوب می شوند و اعمال هرگونه تغییرات در آن، از دیدگاه سیاستمداران حائز اهمیت می باشد. سیاستمداران برای اعمال تغییرات در قوانین و مقررات مالی، عموماً از استراتژی های مشروعیت بخشی بهم پیوسته و ترکیبی استفاده می کنند. به عنوان مثال، عادی سازی معمولاً به شدت توسط روایت گرایی پشتیبانی می شود. همچنین استراتژی دریافت مجوز اغلب با منطقی سازی و اخلاقی سازی همراه است و سیاستمداران، با قدرت نمادین گفتمان، می توانند ایدئولوژی منحصر به خود را بر گروه های مخاطب تحمیل نمایند (اوکس، ۲۰۱۲؛ ۲۱۳). در واقع، می توان از مشروعیت بخشی به قوانین و

مقررات مالی، به عنوان نوعی حفاظت قانونی از سیاست گذاران در برابر تصویب این نوع قوانین نام برد. به عبارت دیگر، قانون گذاران برای اعمال هرگونه تغییرات در قوانین و مقررات مالی با بهره بردن از استراتژی های مشروعیت بخشی در قالب گفتمان های سیاسی، خود را از هرگونه تبعات بعدی ناشی از تصویب این تغییرات، مصون نگه می دارند (مینارد، ۲۰۱۷؛ ۱۱۹). حسابداری بخش عمومی و گزارشگری مالی مربوط به آن، به عنوان ابزار دولت ها در ادای مسئولیت پاسخگویی به جامعه و سایر استفاده کنندگان محسوب می شود (باباجانی، ۱۳۸۶؛ ۳۵۸). از این رو، هرگونه اصلاحات در قوانین و مقررات مالی و به تبع آن اصلاحات در حسابداری بخش عمومی، می تواند از دیدگاه سیاستمداران با اهمیت باشد. دخالت حاکمیت و سیاستمداران در فرآیند اصلاحات حسابداری بخش عمومی، از عوامل کاهش شفافیت مالی و پاسخگویی دولت ها از عملکرد خود در قبال جامعه محسوب می شود (لاسو و همکاران^{۳۰}، ۲۰۱۹؛ ۲۲). بسیاری از تغییرات حسابداری بخش عمومی، بر اساس گفتمان های مبتنی بر مباحث سیاسی ایجاد شده اند و سیاستمداران از استراتژی های مشروعیت بخشی به عنوان مجوز اعمال اینگونه تغییرات استفاده کرده اند (هایندمن و لیگوری، ۲۰۱۶؛ ۳۹۱). گفتمان ها، ریشه در اهداف، انگیزه ها، ایدئولوژی ها و حتی احساسات افراد دارند و از موقعیت هایی که افراد در آن قرار می گیرند و همچنین سایر عوامل محیطی، اثر می پذیرد (بایر و همکاران، ۲۰۲۱؛ ۲۷) و می توان از آن به عنوان ابزار سیاستمداران برای مشروعیت بخشیدن و قانونی کردن اقدامات خود نام برد (تریخا^{۳۱}، ۲۰۰۹؛ ۶۶).

از تحقیقات انجام شده با محوریت مشروعیت بخشی به اصلاحات حسابداری می توان به موارد زیر اشاره کرد. هایندمن و همکاران (۲۰۱۶)، در تحقیقی با عنوان «توجیه تغییرات حسابداری از طریق گفتمان های جهانی و استراتژی های مشروعیت بخشی»، به بررسی عوامل اثرگذار در اصلاحات حسابداری در انگلستان پرداختند. نتایج نشان داد، بسیاری از تغییرات حسابداری، بر اساس گفتمان های مبتنی بر مباحث سیاسی ایجاد شده اند و سیاستمداران از استراتژی های مشروعیت بخشی به عنوان مجوز اعمال اینگونه تغییرات استفاده کرده اند و استفاده از راهبرد و ابزارهای مشروعیت بخشی زبانی توسط سیاستمداران در ایجاد اجماع و فعالیت سیاسی برای توجیه اقدامات دولت و مجلس ضروری است. همچنین ادهیکاری و جایاسینگ^{۳۲} (۲۰۱۷)، در تحقیق کیفی خود به تجزیه و تحلیل اصلاحات حسابداری در دولت مرکزی نپال پرداخت. نتایج تحقیق نشان داد سیاستمداران در دولت مرکزی به عنوان یکی از ذینفعان اصلی حسابداری بخش عمومی، همواره در ایجاد تغییرات حسابداری بخش عمومی دخیل بوده و در برابر عوامل خارجی جهت انجام اینگونه اصلاحات مقاومت نشان داده اند. لیگوری و استیکولونی (۲۰۱۸)، نیز در تحقیق خود با عنوان «قدرت زبان در مشروعیت بخشیدن به اصلاحات حسابداری بخش عمومی»، به بررسی نقش زبان و گفتمان در تاثیرگذاری سیاست های پارلمانی

بر اصلاحات حسابداری بخش عمومی در ایتالیا پرداخت. نتایج نشان داد که سیاستمداران از زبان و استراتژی های مشروعیت بخشی برای تاثیرگذاری بر مباحث مجلس در مورد اصلاحات در بخش عمومی استفاده می کنند. همچنین لاسو و همکاران (۲۰۱۹)، در تحقیقی به بررسی روند اصلاحات حسابداری بخش عمومی در سه کشور آفریقایی پرداختند. نتایج نشان داد که دخالت حاکمیت و سیاستمداران در فرآیند اصلاحات حسابداری بخش عمومی، از عوامل کاهش شفافیت مالی و پاسخگویی دولت ها از عملکرد خود در قبال جامعه محسوب می شود و از گفتمان های سیاسی می توان به عنوان ابزار سیاستمداران برای مشروعیت بخشیدن و قانونی کردن اقدامات خود نام برد.

۳- روش شناسی

در این تحقیق برای بررسی ماهیت زبان نمایندگان مردم در مجلس و استراتژی های مشروعیت بخشی آنان به تغییرات قوانین و مقررات مالی بخش عمومی، از روش تحلیل گفتمان انتقادی با رویکرد فرکلاف (فرکلاف^{۳۳}، ۲۰۰۵؛ ۱۳) استفاده شده است. مقوله ای که در تحلیل گفتمان انتقادی مورد تاکید قرار دارد، زبان است (بیکر و النس^{۳۴}، ۲۰۱۱؛ ۲۴۷). تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف از سه سطح توصیف (شامل قطعات معنایی، واژگان کانونی، عبارت بندی های افراطی، هم معنایی، شمول معنایی و تضاد معنایی، اسم سازی، رتوریک، مجهول سازی، وجوه دستوری، وجوه رابطه ای، وجهیت بیانی، کاربرد ضمائر ما، شما، آنها، ارزش های پیوندی، ساخت متن و کنترل های تعاملی)، تفسیر و تبیین تشکیل شده است (بهرام پور، ۱۳۷۹؛ ۳۴).

جامعه این تحقیق، شامل کلیه مباحثه ها و گفتمان های مطرح شده توسط نمایندگان مردم در مجلس شورای اسلامی در ارتباط با تغییرات قانون محاسبات عمومی مرتبط با حسابداری بخش عمومی از سال ۱۳۶۵ تا سال ۱۳۹۹ می باشد که مشروح مذاکرات آن موجود و در دسترس باشد. نمونه گیری این تحقیق، مبتنی بر روش نمونه گیری تئوریک (قضاوتی) است. در این روش، تصمیمات اتخاذ شده در خصوص نمونه گیری، در خلال فرایند تحقیق ظاهر می شوند و معیار پایان گرفتن نمونه گیری، اشباع تئوریک است. نقطه اشباع تئوریک به تشخیص محقق صورت می گیرد. به این معنی که با انتخاب و بررسی تدریجی نمونه ها در حین انجام تحقیق، محقق به این نتیجه می رسد که انتخاب نمونه های بیشتر، کمکی به تکمیل مقوله نظری تحقیق نمی کند و نمونه ها از آن پس، مشابه در نظر گرفته می شوند (بلیکی^{۳۵}، ۱۳۸۴؛ ۱۶۶). در این تحقیق، تعداد ۱۷ متن از روزنامه رسمی کشور مربوط به گفتمان های نمایندگان مجلس در ارتباط با تغییرات قانون محاسبات عمومی کشور از سال ۱۳۶۵ تا سال ۱۳۹۹، انتخاب شد که سیزده متن مربوط به سال ۱۳۶۵، دو متن مربوط به سال ۱۳۶۶، یک متن مربوط به سال ۱۳۷۹ و یک متن مربوط به سال ۱۳۹۹ بوده است. با انتخاب این تعداد متن از مشروح مذاکرات، تشخیص محققان این بوده است که اطلاعات گردآوری شده به نقطه اشباع رسیده و نیازی به انجام تحلیل متون

بیشتر نیست. انتخاب نمونه تحقیق، از بین مشروح مذاکرات در دسترس نمایندگان مجلس پیرامون قانون محاسبات عمومی، بر اساس جدول شماره ۲ انجام شده است.

جدول ۲: نمونه گیری تحقیق

سال تصویب (اصلاح) قانون	تعداد مواد قانونی مورد گفتمان	مواد قانونی با ارتباط مستقیم به حسابداری بخش عمومی	تعداد نمونه انتخاب شده
۱۳۶۵	۳۴	۱۳	۱۳
۱۳۶۶	۸	۴	۲
۱۳۷۹	۲	۲	۱
۱۳۹۹	۴	۲	۱
جمع	۴۸	۲۱	۱۷

با توجه به اینکه در این تحقیق، به بررسی و تحلیل مستندات و مشروح مذاکرات نمایندگان مجلس پیرامون تغییرات قانون محاسبات عمومی پرداخته می شود، روش گردآوری داده ها، روش مطالعه اسناد و مدارک می باشد. ابزار جمع آوری داده ها در این پژوهش، استخراج مستندات گفتمان ها و مشروح مذاکرات نمایندگان مجلس در رابطه با تغییرات قانون محاسبات عمومی کشور از روزنامه های رسمی، سایت و کتابخانه مجلس شورای اسلامی است.

در این تحقیق از معیارهای گویا و لینکلن^{۳۶} (۱۹۸۵)، برای ارزیابی کیفیت تحقیق استفاده شده است. گویا و لینکلن، مفهوم «قابلیت اعتماد^{۳۷}» را به عنوان معیاری برای جایگزینی روایی و پایایی مطرح کردند تا به کمک آن دقت علمی را در پژوهش کیفی مورد ارزیابی قرار دهند. این

مفهوم از چهار عنصر زیر تشکیل می شد: (گویا و لینکلن، ۱۹۸۵؛ ۱۲۴)

(۱) قابلیت اعتبار^{۳۸} (۲) قابلیت انتقال^{۳۹} (۳) قابلیت اتکا^{۴۰} (۴) قابلیت تایید^{۴۱}

برای کسب قابلیت اعتبار، تلاش شد تا مشروح مذاکرات و گفتمان های نمایندگان مجلس با حداکثر تنوع انتخاب شود و نمونه گیری تا رسیدن داده ها به حد اشباع ادامه یابد. به منظور تسهیل انتقال پذیری، سعی شد تا توصیف روشی از بستر، نحوه انتخاب گفتمان های نمایندگان مجلس، جمع آوری داده ها و فرایند تحلیل ارائه شود تا خواننده بتواند در مورد قابلیت کاربرد یافته ها در موقعیت های دیگر قضاوت نماید. در این پژوهش از حسابرسی تحقیق یعنی بررسی دقیق داده ها توسط یک ناظر خارجی جهت افزایش میزان ثبات و اتکای پژوهش استفاده گردید. همچنین، جهت تایید پذیری پژوهش، تشریح کامل مراحل تحقیق اعم از جمع آوری داده ها، توصیف، تفسیر و تبیین گفتمان ها و شکل گیری درونمایه ها به منظور فراهم نمودن امکان ممیزی پژوهش توسط مخاطبین و خوانندگان صورت گرفته است. ضمن اینکه برای تعیین ارزیابی کیفیت داده ها سعی شد در تحلیل داده ها به بستر موضوع توجه شود و از نظر های یک پژوهشگر بیرونی برای تحلیل داده ها و ارائه نتایج به وی نیز استفاده گردد.

۴- یافته‌ها

در این تحقیق، ماهیت زبان از دیدگاه بوروکراتیک یا غیر بوروکراتیک بودن مورد بررسی قرار گرفته است. برای تعیین ماهیت زبان نمایندگان مجلس در گفتمان های انجام شده پیرامون تغییرات در قانون محاسبات عمومی کشور، از شاخص های زبان بوروکراسی بر اساس مدل هیومل (۱۹۹۴)، استفاده شده است. هیومل در این مدل از شش ویژگی یک جانبه بودن، غیر علی بودن، فنی و تخصصی بودن، قیاسی بودن، ارجاعی بودن و تحمیل نمودن واقعیت، به عنوان شاخصه های شناسایی زبان بوروکراسی نام برده است (هیومل، ۲۰۰۸؛ ۱۱۶). بر مبنای اطلاعات به دست آمده از مراحل مختلف سطح «توصیف» در تحلیل گفتمان ها، شمول هر یک از گفتمان های (متن ها) مورد تحلیل از ویژگی های زبان بوروکراتیک تعیین گردیده است. در جدول شماره ۳، ارتباط بین مراحل مختلف سطح توصیف در تحلیل گفتمان ها و هر یک از ویژگی های زبان بوروکراتیک آورده شده است.

جدول ۳: ارتباط بین مراحل سطح توصیف در تحلیل گفتمان ها و ویژگی های زبان بوروکراتیک

ویژگی های زبان بوروکراتیک (مدل هیومل)	مراحل سطح توصیف از تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف
یک جانبه بودن	وجه دستوری
غیر علی بودن	مجهول سازی
فنی و تخصصی بودن	واژگان کانونی
قیاسی بودن	رتوریک، اسم سازی
ارجاعی بودن	وجهیت رابطه ای و وجهیت بیانی
تحمیل واقعیت	عبارت بندی های افراطی

از این رو، توصیف امری بودن گفتمان در مرحله وجه دستوری، دلالت بر یک جانبه بودن زبان گفتمان دارد. همچنین مجهول سازی جملات و عبارات در گفتمان، دلالت بر غیر علی بودن، محرمانه و دو پهلو بودن زبان گفتمان خواهد داشت. وجود اصطلاحات و کلمات تخصصی در گفتمان (مرحله واژگان کانونی)، دلالت بر فنی و تخصصی بودن زبان گفتمان دارد. استفاده از صنایع بیانی و اسم سازی در گفتمان (مرحله رتوریک و اسم سازی)، بر قیاسی بودن زبان گفتمان دلالت دارد. توصیه، تاکید، اشاره و استناد به مراجع مستدل در گفتمان (مرحله وجهیت رابطه ای و وجهیت بیانی)، دلالت بر ارجاعی بودن زبان گفتمان داشته و در پایان استفاده مکرر از جملات و عبارات در گفتمان (مرحله عبارت بندی های افراطی)، دلالت بر تحمیلی بودن زبان گفتمان دارد (مقیمی و همکاران، ۱۳۹۱؛ ۱۲۱). بر این اساس، در جدول ۴، شمول هر یک از گفتمان های مورد تحلیل از ویژگی های زبان بوروکراتیک آورده شده است:

جدول ۴: شماره متن (گفتمان)

ویژگی های زبان بوروکراتیک (مدل هیومل)	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	
یک جانبه بودن	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
غیر علی بودن	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
فنی و تخصصی بودن	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
قیاسی بودن	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
ارجاعی بودن	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
تحمیل کردن واقعیت	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*

نتایج تحقیق نشان می‌دهد که ماهیت زبان نمایندگان مجلس در گفت‌وگوهای انجام شده پیرامون تغییرات در قانون محاسبات عمومی کشور، به زبان بوروکراتیک نزدیک است. زبانی که دارای ویژگی‌های غالبی نظیر فنی بودن، مجهول و محرمانه بودن، سلطه و تحمیل کردن، غیر تجربی و ارجاعی بودن است و کمتر به ویژگی‌های زبان فرا بوروکراتیک شباهت دارد (الکسی^{۴۲}، ۲۰۰۹؛ ۲۱۴). البته باید به این نکته توجه نمود که زبان بروکراسی زبانی کاملاً منفی نیست، اما تقریباً ابعاد منفی آن در عمل، نمود بیشتری دارد (مقیمی و همکاران، ۱۳۹۱؛ ۱۱۸) و از آن می‌توان به عنوان سوء استفاده سیاستمداران از قابلیت‌های زبان نام برد (لیگوری و استیکولینی، ۲۰۱۸؛ ۱۶۳). با توجه به بوروکراتیک بودن ماهیت زبان نمایندگان مجلس در گفت‌وگوهای انجام شده پیرامون تغییرات در قانون محاسبات عمومی کشور، می‌توان گفت که نمایندگان مجلس از زبان به عنوان ابزاری برای دستیابی به انگیزه‌ها و اهدافی بهره‌برده‌اند که لزوماً در راستای منافع عمومی نبوده و با بکارگیری قدرت زبان در مشروعیت بخشی به اینگونه تغییرات، به دنبال توجیه سیاست‌های اعمال شده، ایجاد اجماع و جلب رضایت عمومی می‌باشند. در واقع نتایج نشان می‌دهد، نمایندگان مجلس از زبان به عنوان نوعی ابزار کنترل بهره‌برده و از آن برای ایجاد مشروعیت استفاده کرده‌اند. به عبارت دیگر، نمایندگان مجلس برای اعمال تغییرات در قانون محاسبات عمومی، از قدرت زبان برای پوشش انگیزه‌های خود و مشروعیت بخشیدن به اقدامات خود و جلوه دادن آن در راستای منافع عمومی استفاده کرده‌اند. در حقیقت، قدرت زبان و گفت‌وگو به عنوان ابزار کلیدی نمایندگان مجلس برای مشروعیت بخشی محسوب می‌شود و مشروعیت بخشی، نوعی توجیه عقلانی اعمال قدرت نمایندگان مجلس برای ایجاد تغییرات در قوانین و مقررات مالی می‌باشد که در قالب گفت‌وگوها جلوه داده شده است. در چنین شرایطی، زبان بوروکراتیک نقش اجتناب‌ناپذیری در گفت‌وگوهای مشروعیت بخش را بر عهده دارد.

استفاده از ابزارهای مشروعیت بخشی زبانی توسط سیاستمداران در ایجاد اجماع برای توجیه اقدامات آنها ضروری است (بایتکین و هاک، ۲۰۱۵؛ ۴۷۲). استراتژی‌های مشروعیت بخشی می‌توانند با تأکید بر قابل قبول بودن یا عدم پذیرش اقدامات، این اقدامات را به صورت خنثی یا مثبت توصیف کنند (اسلیمین^{۴۳} و همکاران، ۲۰۲۰؛ ۱۴۷). نتایج نشان می‌دهد، نمایندگان مجلس برای مشروعیت بخشیدن به تغییرات قانون محاسبات عمومی کشور، با توجه به تعداد دفعات بکارگیری استراتژی، به ترتیب از استراتژی‌های خرد گرایی، اقتدارگرا، عادی سازی، اخلاق گرایی و روایت گرایی استفاده کرده‌اند. در این تحقیق، با توجه به نتایج حاصل از ویژگی‌های صوری متون انتخاب شده از مرحله توصیف و در نظر گرفتن خصوصیات مربوط به هر استراتژی، در مرحله «تفسیر» (طبق نمونه پیوست مقاله)، ضمن ایجاد پیوند میان متن مورد مطالعه تحقیق و گفت‌وگوهای جاری در سطح جامعه، نوع استراتژی بکار گرفته شده توسط نمایندگان مجلس جهت مشروعیت بخشی به گفت‌وگوها تعیین شده است (فرکلاف، ۱۹۹۵، ۸۲۲).

در جدول شماره ۵، استراتژی های بکار گرفته شده توسط نمایندگان مجلس برای مشروعیت بخشی به تغییرات قانون محاسبات عمومی کشور آورده شده است.

جدول ۵: شماره متن

نوع استراتژی	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	جمع
اقتدارگرا					*	*			*		*		*	*	*	*	*	۹
اخلاق گرایی	*													*				۳
عادی سازی			*			*	*			*								۴
روایت گرایی												*	*		*			۱
خرد گرایی	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	۱۲

با توجه نتایج جدول فوق، می توان از دو استراتژی خرد گرایی و استراتژی اقتدارگرا به عنوان استراتژی های غالب، برای مشروعیت بخشی نمایندگان مجلس به تغییرات قانون محاسبات عمومی کشور نام برد. به عبارت دیگر، نمایندگان مجلس برای مشروعیت بخشیدن به گفتمان خود و اعمال تغییرات در قوانین و مقررات مالی، مشروعیت بخشی از طریق تاکید بر نتایج و پیامدهای اعمال تغییرات در قوانین و مقررات مالی و همچنین مشروعیت بخشی از طریق کسب مجوز به استناد چهره های مرجع و قانونی را به عنوان استراتژی های غالب انتخاب نموده اند.

۵- بحث و نتیجه گیری

در این تحقیق با تحلیل گفتمان های نمایندگان مجلس پیرامون تغییرات در قوانین و مقررات مالی و به طور خاص تغییرات در قانون محاسبات عمومی کشور به عنوان زیربنای حسابداری بخش عمومی، به بررسی ماهیت زبان نمایندگان مجلس و نقش آن در مشروعیت بخشی به تغییرات قانون محاسبات عمومی و همچنین بررسی استراتژی های مشروعیت بخشی استفاده شده توسط نمایندگان مجلس پرداخته شده است. ماهیت زبان نمایندگان مجلس در گفتمان های مربوط به اعمال تغییرات در قانون محاسبات عمومی کشور، از دیدگاه بوروکراتیک یا غیر بوروکراتیک بودن مورد بررسی قرار گرفت.

نتایج تحقیق، بوروکراتیک بودن ماهیت زبان نمایندگان مجلس را نشان می دهد. زبان بوروکراسی ذاتاً زبانی اداری، عاری از احساس، دو پهلو، زبانی محرمانه، زبان سکوت و زبان سلطه است و در واقع جنبه منفی زبان محسوب می شود و این موضوع خود بیانگر نوعی سوء استفاده نمایندگان مجلس از ابزار زبان در گفتمان های پیرامون تغییرات قانون محاسبات عمومی می باشد. به عبارت دیگر، ماهیت بوروکراتیک زبان نمایندگان مجلس در اعمال تغییرات در قانون محاسبات عمومی، بیانگر این است که آنان سعی دارند اینگونه تغییرات را همسو با منافع عمومی به تصویر بکشند (لیگوری و استیکولینی، ۲۰۱۸؛ ۱۶۱). قوانین غالباً با هدف اعمال کنترل سیاسی و اجتماعی بر جامعه وضع می شوند (وداک، ۲۰۱۱؛ ۳۷۳). در واقع، منبع اصلی قدرت قانون این است که روابط اجتماعی و قدرت حاکم را بدون نیاز به کنترل از خارج، از طریق ابزارهای زبانی و گفتمانی، تشکیل و مشروعیت می بخشد. بنابراین قدرت قانون باید به وسیله گروه های

تابع پذیرفته شود و روند مشروعیت بخشی عمدتاً نه از طریق اجبار (تحمیل شده توسط قانون و دادگاه های حقوقی) بلکه از طریق استقرار راهبردهای اقتناع کلامی از طرف قانون گذاران، کسانی که متون حقوقی وضع می کنند، صورت می گیرد. قانونی شدن اعمال هرگونه تغییرات را می توان از طریق فرآیندهای مشروعیت بخشی افزایش داد. به این معنی که سیاستمداران با بکارگیری زبان، بحث های مثبتی را پیرامون اصلاحات ایجاد می کنند و مقاومت در برابر آن را به حداقل می رسانند (رتارو، ۲۰۱۹؛ ۳۱).

نتایج این تحقیق نشان می دهد، نمایندگان مجلس با بهره گیری از جنبه منفی قدرت زبان (زبان بوروکراتیک)، درصد مخفی نگه داشتن انگیزه های خود و مشروعیت بخشیدن به اعمال تغییرات در قوانین و مقررات مالی در راستای جلب رضایت عمومی می باشند. مشروعیت بخشی به اعمال سیاستمداران می تواند در راستای همراه نمودن و متقاعد کردن جامعه با ایشان به عنوان اولویتی سیاسی تبدیل شود. مشروعیت بخشی نمایندگان مجلس به اقدامات خود مبنی بر ایجاد تغییرات در قانون محاسبات عمومی، بر نقش محوری زبان به عنوان منبع مشروعیت استوار است. در واقع، نمایندگان مجلس با بکارگیری زبان و مباحثه، از اشکال قدرت نمادین برای به دست آوردن کنترل بر مخاطب و مشروعیت بخشیدن به اقدامات خود، توجیه تغییرات در قانون محاسبات عمومی و جلب حمایت عمومی در راستای اهداف خود استفاده کرده اند. به عبارت دیگر، نمایندگان مجلس با بکارگیری قدرت زبان، بر گفتمان خود پیرامون اعمال تغییرات در قانون محاسبات عمومی مشروعیت بخشیده و مقاومت در برابر آن را به حداقل رسانده اند.

ابهام در مورد اعمال تغییرات در قوانین و مقررات، سیاستمداران را بر آن می دارد تا از استدلال های کافی برای ساخت واقعیت استفاده کرده و برای کسب مشروعیت از برخی ساختارها و ایده ها بهره ببرند. استراتژی های تنظیم شده در هنگام اعمال تغییرات، باورها را تحت تأثیر قرار می دهد و می تواند اتخاذ رویه ها و روش توجیه سیاستمداران برای سودمندی تغییر را تقویت یا تضعیف کند. هرچه دلایل حمایت کننده برای تغییر ترغیب کننده تر باشد، تصویب آن و در نهایت پذیرش آن، قابل قبول تر خواهد بود (بایتکین و هاک، ۲۰۱۵؛ ۴۵۵). نتایج تحقیق نشان می دهد که نمایندگان مجلس برای مشروعیت بخشیدن به گفتمان خود، از استراتژی های مختلفی استفاده کرده اند. استراتژی های مشروعیت بخشی می توانند اقدامات را با اصطلاحات خنثی یا مثبت توصیف کنند و با تأکید بر مقبولیت یا عدم پذیرش آنها، توجیهی برای اینکه چرا باید کاری را به روشی خاص انجام دهیم، ارائه می دهند. در واقع، استراتژی ها، روشهای خاص استفاده از منابع گفتمانی برای ایجاد مشروعیت یا عدم مشروعیت هستند و همواره به صورت عمدی و آگاهانه بکار نمی روند. این نکته قابل ذکر است که استراتژی های مشروعیت در زمینه های اجتماعی خاص گنجانده می شوند و آنچه که به عنوان یک استدلال محسوب می شود، ممکن است در محیط های مختلف، متفاوت باشد. اساس بکارگیری استراتژی های فوق به نوع

گفتمان های سیاستمداران وابسته بوده و متکی بر بکارگیری قدرت زبان است (ساهلین و ودلین^{۴۵}، ۲۰۰۸؛ ۴۱). سیاستمداران برای اعمال تغییرات در قوانین و مقررات، عموماً از استراتژی های مشروعیت بخشی بهم پیوسته و ترکیبی استفاده می کنند. به عنوان مثال، عادی سازی معمولاً به شدت توسط روایت گرایی پشتیبانی می شود. همچنین استراتژی دریافت مجوز (اقتدارگرا) اغلب با منطقی سازی (خرد گرایی) و اخلاقی سازی همراه است. می توان از مشروعیت بخشی به قوانین و مقررات، به عنوان نوعی حفاظت قانونی از سیاست گذاران در برابر تصویب این نوع قوانین نام برد. به عبارت دیگر، قانون گذاران برای اعمال هرگونه تغییرات در قوانین و مقررات با بهره بردن از استراتژی های مشروعیت بخشی در قالب گفتمان های سیاسی، خود را از هرگونه تبعات بعدی ناشی از تصویب این تغییرات، مصون نگه می دارند. در این تحقیق، بر اساس نظریه نهادی و تحلیل گفتمان انتقادی وارا، نمایندگان مجلس از پنج استراتژی اقتدار گرا، اخلاق گرایی، عادی سازی، روایت گرایی و خرد گرایی و غالباً به صورت ترکیبی برای مشروعیت بخشیدن به گفتمان خود پیرامون تغییرات قانون محاسبات عمومی استفاده کرده اند.

بر اساس نتایج تحقیق، از بین استراتژی های فوق، استراتژی خردگرایی و استراتژی اقتدار گرا بیشتر از سایر استراتژی ها توسط نمایندگان مجلس بکار گرفته شده است. بکارگیری استراتژی خرد گرایی به این معنی می باشد که نمایندگان مجلس برای مشروعیت بخشیدن به گفتمان خود پیرامون تغییرات در قانون محاسبات عمومی و متقاعد کردن مخاطبین خود، اغلب بر نتایج، کارکردها و پیامدهای اعمال تغییرات در قوانین و مقررات مالی تاکید داشته و با تکیه بر عقلانیت ابزاری، امور را با ارجاع به غایتشان، کاربردشان و تاثیراتشان مشروعیت می بخشد. از طرف دیگر، بکار بردن استراتژی اقتدارگرا به این معنی می باشد که نمایندگان مجلس برای مشروعیت بخشی به گفتمان خود و به حداقل رساندن مقاومت مخاطبین در برابر آن، گفتمان خود را با استناد کردن بر مرجع و چهره های قانونی، اعتبار می بخشند. در واقع، نمایندگان مجلس با بکارگیری این استراتژی با ارجاع به نظرات اشخاص مرجع و خیره، برای گفتمان خود پیرامون تغییرات قانون محاسبات عمومی، مشروعیت ایجاد می کنند. از این رو می توان گفت، تغییرات قانون محاسبات عمومی کشور به عنوان زیر بنای حسابداری بخش عمومی، تحت تاثیر جنبه منفی زبان و گفتمان نمایندگان مجلس مشروعیت بخشیده شده است و می تواند بیانگر این است که آنان سعی دارند اینگونه تغییرات را همسو با منافع عمومی به تصویر بکشند (لیگوری و استیکولینی، ۲۰۱۸؛ ۱۶۱) و با بهره بردن از قدرت زبان و با تاکید بر استراتژی های خردگرایی و اقتدارگرا، سعی در جلب حمایت عمومی نسبت به اقدامات خود را داشته اند.

نتایج تحقیق حاضر از جنبه های مختلف شامل بررسی ماهیت زبان سیاستمداران، مشروعیت بخشی به تغییرات قوانین و مقررات و اصلاحات حسابداری و همچنین استراتژی های مشروعیت بخشی، با تحقیقات انجام شده قبلی مطابقت دارد. در ارتباط با اعمال نفوذ سیاستمداران در

تغییرات قوانین و مقررات کشورها، نتایج تحقیق حاضر با تحقیق جانسن و استیهودر در سال ۱۹۸۵ که در آن، بر نقش سیاستمداران در ایجاد تغییرات در قوانین و مقررات کشور با بهره‌گیری از قابلیت های زبان بروکراتیک اشاره داشته، همخوانی دارد. در ارتباط با ماهیت زبان سیاستمداران در توجیه فعالیت ها و عملکرد خود، نتایج این تحقیق با تحقیق مقیمی و همکاران در سال ۱۳۹۱ مطابقت داشته و هردو بر بروکراتیک بودن ماهیت زبان سیاستمداران اشاره دارند. همچنین در ارتباط با قابلیت بکارگیری همزمان استراتژی های مشروعیت بخشی یا بکارگیری هر استراتژی به طور جداگانه، نتایج این تحقیق با نتایج تحقیق انجام شده توسط ریس در سال ۲۰۱۱ و تحقیق پار در سال ۲۰۲۰ همخوانی دارد. در ارتباط با نقش استراتژی های مشروعیت بخشی بر اصلاحات حسابداری، نتایج این تحقیق با نتایج تحقیق هایندمن و همکاران در سال ۲۰۱۶ مطابقت داشته و هر دو بر بکارگیری استراتژی های خردگرایی و اقتدارگرایی جهت مشروعیت بخشی به اصلاحات حسابداری تاکید دارند. همچنین نتایج تحقیق هایندمن و همکاران در سال ۲۰۱۶، تحقیق ادھیکاری و جایاسینگ در سال ۲۰۱۷، تحقیق لیگوری و استیکولینی در سال ۲۰۱۸ و نیز تحقیق لاسو و همکاران در سال ۲۰۱۹، مبنی بر استفاده سیاستمداران از استراتژی های مشروعیت بخشی زبانی جهت توجیه اقدامات خود و همچنین اثر پذیری اصلاحات حسابداری از این گونه استراتژی ها، با نتایج تحقیق حاضر منطبق می باشد.

روش تحلیل گنتمان انتقادی، همانند سایر روشهای تحقیق کیفی با محدودیت تعمیم پذیر بودن نتایج مواجه است؛ بدین معنا که لزوماً نتایج این تحقیق برای سایر محیط ها و شرایط مختلف، مناسب نیست. همچنین در تحقیقات کیفی، محقق به عنوان ابزار در نظر گرفته می شود. بدین معنا که محقق از خود به صورت یک ابزار اولیه برای جمع آوری داده‌ها استفاده می‌کند. در واقع انجام تحقیقات کیفی نیازمند مجموعه ای از مهارت ها و تجربیات و نیز درگیر شدن در برخی از چالش های خاص بوده و مبتنی بر تجربه، تعبیر، تفسیر، مهارت و دانش زمینه ای پژوهشگر در ارتباط با موضوع تحقیق می باشد و این موضوع می تواند نتایج تحقیق را تحت تاثیر قرار دهد.

بر این اساس نتایج تحقیق، پیشنهادهای کاربردی و همچنین پیشنهادهای تحقیق های آتی به صورت زیر ارائه می شود:

۱) بر اساس نتایج تحقیق، نفوذ انگیزه های سیاسی قانون گذاران در تصویب قوانین و مقررات مالی زیربنای حسابداری و گزارشگری مالی بخش عمومی، موجب کاهش قابلیت اتکای گزارشات مالی بخش عمومی شده و ارزیابی مسئولیت پاسخگویی دولت ها را با چالش مواجه خواهد کرد. از این رو، با توجه به اجتناب ناپذیر بودن تاثیر اینگونه انگیزه‌ها در تصویب قوانین و مقررات مالی، استفاده از سیستم حسابداری و گزارشگری مالی که صرفاً مبتنی بر استانداردهای حسابداری بخش عمومی باشد، علی رغم تحمیل هزینه‌های مضاعف برای دولت‌ها، با فراهم

آوردن زمینه قیاس دو مبنای گزارشگری مالی، موجب افزایش شفافیت مالی و بهبود مسئولیت پاسخگویی دولت‌ها در قبال جامعه خواهد شد.

۲) تشکیل کارگروه‌های تخصصی بعد از تصویب اولیه قوانین و مقررات مالی در مجلس و استفاده از دیدگاه‌های صاحب‌نظران حسابداری، جهت تطبیق و کاستن مغایرت مصوبات قانون‌گذاران با استانداردهای حسابداری، می‌تواند اثر انگیزه‌های سیاسی قانون‌گذاران در تصویب قوانین و مقررات مالی را به حداقل برساند.

موارد زیر به عنوان پیشنهادهایی برای پژوهش‌های تکمیلی و همچنین پژوهش‌های آتی مرتبط با این تحقیق ارائه می‌گردد:

مطالعه نقش زبان و استراتژی‌های مشروعیت بخشی سایر نهادهای سیاسی در اصلاحات قوانین و مقررات مالی بخش عمومی

بررسی نقش زبان و مناسبات قدرت در فرایند تدوین استانداردهای حسابداری مالی ایران

بررسی رویکردهای مشروعیت بخشی مراجع استانداردگذار حسابداری در ایران

مطالعه اصلاحات قوانین و مقررات مالی در دوره‌های مختلف، از دیدگاه ماهیت زبان و استراتژی‌های مشروعیت بخشی

مطالعه محرک‌ها و موانع اصلاحات حسابداری در نظام گزارشگری مالی بخش عمومی

مطالعه نقش زبان در تغییرات قانون تجارت به عنوان مبنای اصلاحات حسابداری مالی

بکارگیری انواع روش‌های کیفی در بررسی تغییرات قوانین و مقررات مالی مرتبط با حوزه‌های مختلف حسابداری

مطالعه تحولات تاریخی رشته حسابداری با رویکرد زبان‌شناسی

یادداشت‌ها

- | | |
|--------------------------|--------------------------|
| 1.Liguori & Steccolini | 24.Pare |
| 2.Biber et al | 25.Lin |
| 3.Ridealgh & Gomez | 26.Gutmann & Voigt |
| 4.Calle-Diaz | 27.Orts |
| 5.Qvarfordt | 28.Bitektine & Haack |
| 6.Hyndman & Liguori | 29.Rotaru |
| 7.Chaidas | 30.Lassou |
| 8.Herman | 31.Trikha |
| 9.Watson | 32.Adhikari & Jayasinghe |
| 10.Hummel | 33.Fairclough |
| 11.Jansen and Steehouder | 34.Baker & Ellece |
| 12.Oakes | 35.Blaikie |
| 13.Christensen | 36.Guba & Lincoln |
| 14.Van Leeuwen | 37.Trustworthiness |
| 15.Vaara | 38.Credibility |

- | | |
|---------------------|---------------------|
| 16. Authorization | 39. Transferability |
| 17. Moralization | 40. Dependability |
| 18. Narrativization | 41. Conformability |
| 19. Normalization | 42. Alexe |
| 20. Rationalization | 43. Slimane |
| 21. Reyes | 44. Wodak |
| 22. Meinard | 45. Sahlin & Wedlin |
| 23. Woods | |

کتابنامه

- آقا گل زاده، فردوس، (۱۳۸۶)، *تحلیل گفتمان انتقادی و ادبیات*، تهران، علمی و فرهنگی.
- افشین وفايي، محمد و غلامی، علی، (۱۳۹۷)، زبان، ابزار قدرت در روزنامه های دربار دوران قاجار. *مجله ادب فارسی*، ۸ (۲): ۱-۲۲.
- باباجانی، جعفر، (۱۳۸۶)، *حسابداری و کنترل های مالی دولتی*، چاپ چهارم، تهران، دانشگاه علامه طباطبائی.
- بلیکی، نورمن، (۱۳۸۴)، *طراحی پژوهش های اجتماعی*، ترجمه حسن چاوشیان، تهران، نشر نی.
- بهرام پور، شعبانعلی، (۱۳۷۹)، *تحلیل انتقادی گفتمان*، تهران، دفتر مطالعات و توسعه رسانه ها.
- ضیائی، محمدصادق و نرگسیان، عباس و کیامنبرد، منیژه، (۱۳۸۸)، بررسی رابطه بین زبان اقتدار با مشروعیت دولتها: تحلیل گفتمان انتقادی سخنان امام خمینی (ره)، *نشریه مدیریت دولتی*، ۱۱ (۳): ۸۵-۱۰۴.
- مرادی، محمد و نرگسیان، عباس و اخوان، هانیه، (۱۳۹۶)، مطالعه و مقایسه پاسخگویی مالی دولت در چهار دوره ریاست جمهوری پس از انقلاب اسلامی با استفاده از تحلیل گفتمان انتقادی، *نشریه مدیریت دولتی*، ۹ (۲): ۱۹۳-۲۱۲.
- مقیمي، سید محمد و ضیائی، محمدصادق و عاملی، سعیدرضا و نرگسیان، عباس، (۱۳۹۱)، مطالعه ماهیت زبان دولت در سه دهه انقلاب اسلامی و ارائه ی الگوی کارآمد آن در ایران. *نشریه مدیریت دولتی*، ۴ (۱۲): ۱۱۳-۱۲۸.
- میرزایی اهرنجانی، حسن، (۱۳۸۵)، *مبانی فلسفی تئوری سازمان*، چاپ اول، تهران، سمت.

References

- Adhikari, P, & Jayasinghe, K, (2017), 'Agents-in-focus' and 'Agents-in-context': The strong structuration analysis of central government accounting practices and reforms in Nepal. *Accounting Forum*, 5(11), 34-51.
- Afshin Vafaei, M, & Gholami, A, (2018), Language, tools of power in the newspapers of the Qajar period. *Journal of Persian Literature*, 8 (2), 1-22. (In Persian)
- AghaGolzadeh, F, (2007), *Critical Discourse Analysis and Literature*, Tehran, Scientific and Cultural. (In Persian)

- Alexe, R, (2009), Reforming Spanish Bureaucratic Language. *Bulletin of the Transilvania University of Braşov*, 2(51), 213-216.
- Babajani, J, (2007), *Accounting and Government Financial Controls*, Fourth Edition, Tehran, Allameh Tabatabai University. (In Persian)
- Bahrampour, Sh, (2000), *Critical Analysis of Discourse*, Tehran, Office of Media Studies and Development. (In Persian)
- Baker, P, & Ellece, S, (2011), *Key Terms in Discourse Analysis*. London, Continuum.
- Biber ,D, Egbert, J , Keller, D, & Wizner, S, (2021), Towards a taxonomy of conversational discourse types: An empirical corpus-based analysis. *Journal of Pragmatics*, 33(171) , 20-35.
- Bitektine, A, & Haack, P, (2015), Legitimacy, *Academy of Management Annals*, 11(1), 451-478.
- Blaikie, Norman, (2005), *Social Research Design*, translated by Hassan Chavoshian, Tehran, Ney Publishing. (In Persian)
- Calle-Diaz, L, (2019), Possibilities of building peace through classroom discourse: A positivediscourse analysis, *Linguistics and Education*, 54(6), 1–10.
- Chaidas, D, (2018), The benefits of narratology in the analysis of multimodal legitimation: the case of new democracy, *Discourse Commun*, 12 (3), 1–20.
- Christensen, C.M., McDonald, R., Altman, E.J., Palmer, J.E (2018), an intellectual history and directions for future research, *Journal of Management Studies*, 55(7), 1043–1078.
- Fairclough, N, (1995), *Critical discourse analysis: The critical study of language*, London, Longman.
- Fairclough, N, (2005), Discourse Analysis in Organization Studies: The Case for Critical Realism, *SAGE Publications*, 1-25.
- Gutmann , J, and Voigt, S, (2018), The rule of law: Measurement and deep roots. *European Journal of Political Economy* , 6(2), 1–15.
- Herman, E. S, (1992), *Beyond Hypocrisy: Decoding the News in an Age of Propaganda Boston*, South End Press.
- Hummel, R. P, (1994), *The Bureaucratic Experience: A Critique of Life in the Modern Organization*, New York, St. Martin's Press.
- Hummel R. P, (2008), *The Bureaucratic Experience: The Postmodern Challenge*, 5th ed, M.E, Sharp, Inc.
- Hyndman, N, Liguori, M, Meyer, R, Polzer, T, Rota, S, & Seiwald, J, (2014), The translation and sedimentation of accounting reforms. A comparison of the UK, Austrian and Italian experiences, *Critical Perspective on Accounting*, 25(4-5), 388-408.
- Hyndman, N, & Liguori, M, (2016), Justifying accounting change through global discourses and legitimation strategies, The case of the UK central government, *Accounting and Business Research*, 46(4), 390-421.
- Jansen, C, & Steehouder, M, (1985), From Bureaucratic Language to Instructional Texts: How to Design An Effective Problem-Solving Tool for Citizen, *Twente*

- University of Technology*, Dept. of Applied Linguistics, Enschede, Netherlands.
- Lassou , P, Hopper, T, Tsamenyi, M, & Murinde, V, (2019), Varieties of neo-colonialism: Government accounting reforms in Anglophone and Francophone Africa – Benin and Ghana compared, *Critical Perspectives on Accounting*, 46 (2), 13-29.
- Liguori , M, & Steccolini, I, (2018), The power of language in legitimating public-sector reforms: When politicians “talk” accounting. *The British Accounting Review*, 50(9) , 161-173.
- Lin, Y, (2021), Legitimation strategies in corporate discourse: A comparison of UK and Chinese corporate social responsibility reports, *Journal of Pragmatics*, 177(6), 157-169.
- Lincoln, Y. S, & Guba, E, (1985), *Naturalistic inquiry*, Thousand Oaks, CA: Sage, P: 124.
- Meinard, Y, (2017), What is a legitimate conservation policy? *Biological Conservation*, 213(13) , 115–123.
- Mirzaei Ahranjani, H, (2006), *Philosophical Foundations of Organization Theory*, First Edition, Tehran, Samt. (In Persian)
- Moghimi, S. M, Ziaei, M. S, Ameli, S.R, & Nargesian, A, (2012), A study of the nature of government language in the three decades of the Islamic Revolution and presenting its effective model in Iran, *Journal of Public Management*, 4 (12), 113-128. (In Persian)
- Moradi, M, Nargesian, A, & Akhavan, H, (2017), Study and Comparison of Government Financial Accountability in the Four Presidencies after the Islamic Revolution Using Critical Discourse Analysis, *Journal of Public Management*, 9 (2), 192-213. (In Persian)
- Oakes, H, & Oakes, S, (2012), Accounting and marketing communications in arts engagement: A discourse analysis, *Accounting Forum*, 36(2), 209-222.
- Orts, M, (2016), Power distance and persuasion: The tension between imposition and legitimation in international legal genres, *Journal of Pragmatics* ,92(6), 1-16.
- Paré, G, Marsan, J, Mirou, J, Tamimd, H, & Lukyanenkoe, R, (2020), IT vendors’ legitimation strategies and market share: The case of EMR Systems, *Information & Management*, 11(9), 165-183.
- Qvarfordt , A, Hoffc, D, & Bäckströmb, A, & Ahmadi, N, (2019), From fighting the bad to protecting the good: Legitimation strategies in WADA’s athlete guides, *Performance Enhancement & Health*, 12(2), 31-46.
- Reyes, A, (2011), Strategies of legitimization in political Discourse: From words to actions, *Discourse & Society*, 22(6), 781-807.
- Ridealgh, K, & Gomez, L, (2020), Potestas and the language of power: Conceptualising an approach to Power and Discernment politeness in ancient Languages, *Journal of Pragmatics*, 170(7) , 231-244.

- Rotaru, V, (2019), Mimicking' the West? Russia's legitimization discourse from Georgia war to the annexation of crimea, *Communist and Post-Communist Studies*, 11 (4), 23-38.
- Sahlin, K, & Wedlin, L, (2008), *Circulating ideas: Imitation*, translation and editing, In: R. Greenwood, C, Oliver, K, Sahlin & R, Suddaby, (eds.), *The SAGE Handbook of Organizational Institutionalism*, London, Sage, 41-218.
- Slimane, K, Diridollou, C, & Hamadache, K, (2020), The legitimation strategies of early stage disruptive innovation, *Technological Forecasting & Social Change*, 158(9), 120-161.
- Trikha, R, (2009), *Bureaucracy and Public Administration*, Indiana University, ABD Publishers.
- Vaara, E, Tienari, J, & Laurila, J, (2006), Pulp and paper fiction: On the discursive legitimation of global industrial restructuring, *Organization Studies*, 27(6), 789-813.
- Vaara, E, (2015), Legitimacy Struggles and Political Corporate Social Responsibility in International Settings: A Comparative Discursive Analysis of a Contested Investment in Latin America, *Organization Studies*, 36(6), 741-777.
- Van Leeuwen, T & Wodak, R, (2002), Discourses of un/employment in Europe: The Austrian case, *Discourse Studies*, 22(3), 345-367.
- van Leeuwen, T, (2007), Legitimation in discourse and communication, *Discourse and Communication*, 1(1), 91-112.
- Wodak, r, (2011), *Critical Discourse Analysis*, In Ken Hyland, and Brian Paltridge (ed), *The Continuum Companion to Discourse Analysis*, London, Continuum.
- Watson, R. P, (2006), *On the Language of Bureaucracy: Postmodernism, Plain English, and Wittgenstein*, in *Handbook of Organization Theory and Management: The Philosophical Approach*, by Thomas D. Lynch and Peter L. Cruise, CRC Press, Taylor & Francis Group, Second Edition, pp. 1-906.
- Woods, C, (2019), From an "outside group" to a catalyst for corporate change: Examining activists' legitimation strategies, *Public Relations Review*, 45(8), 332-347.
- Ziaei, M. S, & Nargesian, A, & Kiamonfared, M, (2009), A Study of the Relationship between the Language of Authority and the Legitimacy of Governments: A Critical Discourse Analysis of Imam Khomeini's Speeches, *Journal of Public Management*, 1 (3), 85-104.